کیفیت انتخابات رای نداده لهذاماده ذیل‌راپیشنهاد میکنم که‌درجزء قانون‌انتخابات قید بشود .

ماده واحده ـ انتخابات نمایندگان برای‌مجلس مقدس درتمام مملکت ایران بطوریکدرجه ومستقیم خواهد بود .

نایب‌رئیس ـ هریك ازآقایان که‌این ماده‌را تصویب میکنند ورقه‌سفید بدهند وهر کس که‌مخالف است ورقه آبی بدهد (اوراق رأی اخذ و آقای حاج‌میرزا رضاخان احصاء نمود) .

رأی دهندگان ۵۲ ـ رد کنندگان (۳) ورقه لایقرء « یك » .

نایب رئیس ـ باکثریت پنجاه ودو رأی تصویب شد که انتخابات یك درجهٔ و مستقیم — این طرحی‌است که ازطری آقای لسان‌الحکماء در خصوصیات انتخابات مستقیم پیشنهاد شده است رجوع میشود بکمیسیون آقای‌وحیدالملك ازوزارت پست وتلگراف سؤالی داشتند ولی‌چون‌ظهر گذشته است میماند بجلسه دیگر .

وحیدالملكـ چون‌مختصراست‌اجازه‌بفرمائید عرض کنم .

نایب رئیس ـ بفرمائید .

وحید الملك ـ خاطر آقایان مسبوق است که در ۲۳ جوزا یك قانونی از مجلس گذشت که بموجب آن بعضی‌اختیارات واقتدارات لازمه‌بخزانه‌دارکل داده شده است از برای اصلاحات لازمه ومن جمله یکی ازآن اختیارات راجع بودبمرکزیت جمع وخرج عایدات دولتی وبعد از آنکه آن‌مواد از مجلس گذشت خزانه دار کل مسیو شوستر مشغول شد ببعضی اصلاحات اساسی ادارات مالیه ومن جمله اصلاح تمام ادارات دولتی مخصوصاً اداراتی که عادت دارند که عایدات خودشان را تحویل خزانه بنمایند وماه بماه مخارج خودشان را از خزانه به امضای خزانه دار کل مسیو شوستر دریافت دارند بعضی ادارات ازاین حکم خزانه دار کل که متکی بودبرأی مجلس‌سرپیچی کردند وازقراریکه‌میشنویم پست خانهٔ دولتی یك تلگراف متحد المضمونی‌بکلیهٔ پست خانه های ولایات مخابره کرده است که عایدی خودشان را بخزانه دار کل ندهند ومستقیماً بحواله کرد پست خانه مرکزی بپردازند بنده خواستم از آقای معاون پست وتلگراف سؤال کنم که‌آیا صحت دارد وهمچوتلگرافی شده است یاخیر ؟ ودرصورت صحت مبنی برچه حکمت وفلسفه بوده‌است که‌مستقیما مخالفت دارد بامواد قانونی که از مجلس گذشته‌است

معاون وزارت پست و تلگرا ـ بلی اینجا یك کلمه مطلب است که‌گویا اشتباه شده است وآن اینست که فرمودند که بعد از اینکه آن قانون گذشت به تمام ادارات دولتی‌اعلان کرده‌اندبدبختانه اینکار را نکرده بودند و یك سوء اثری که میدانید از همین است والبته همه هم تصدیق میکنند بعداز آنکه این غفلت از وزارت مالیه شده است و ان اعلان را نفرستادندبهمه جا رئیس پست تقصیرندارد ومطابق قانون رفتار نمیکند باین معنی که‌تمام‌عایدات خودش را مطابق معمول سنوات ببانك میدهد و صندوق علیحده ندارد و روز بروز که مخارج فوری فوتی از برای او پیدا میشود حواله میدهدوروزی که قانون مذکور دراینجا میگذرد فردای آن‌روز که بایدگاری حمل بکند و مخارج فوری داشت هشتصد تومان حواله میکند ببانك بطور سابق و بانك‌حواله را رد میکند البته تصدیق خواهیدفرمود که‌بانك‌حواله کسیرا که‌پول‌پیش‌اوداشته‌است‌وبدون‌اطلاع از جای رسمی یعنی بدون این که از وزاتخانه‌خودش باواخطاری برسد و وابخورد وباو چون برمیخورد و برای این که او هم رئیس‌واروپائی‌است در اداره پست باین لحاظ او هزار خیال درباره خودش‌میکند و کاغذی بوزارت خودش نوشت بعد از آنکه کاغذ رسید بوزارت فرستادیم بوزارت مالیه و از مسیو شوستر سؤال کردیم که یك همچو چیزی‌هست یا خیر آن وقت ایشان یك لایحه فرستادند با یك اوراقی که بله چون اوراقمان حاضر نبود منتظر شویم که اوراقمان‌که حاضر شد بفرستیم بنده‌خودم رفتم او را ملاقات کردم و عرض کردم بهتر این‌بود که مکتوباً بما مینوشتید یا این که اعلان ببانك را توقیف میکردید تا اوراق چاپ بشود و بادارات بفرستیدو خودش هم‌پسندید و گفتندمن گمان‌میکردم از طرف وزارت مالیه این اعلان رسمی بهمه جا داده شده است و با کمال موافقت وزارت پست و تلگراف همراهی کرده است و میکند و ابداً از طرف‌وزارت پست وتلگراف همچوتلگرافی‌بولایات نشده است و تمام پول هایش را هم عاید ببانك کرده استو پول هایش را هم گرفته است و پولهائی هم که خواسته ایم فرستاده ایم که بدهد .

نایب‌رئیس ـ دستور جلسهٔ ۵شنبه ۹ رجب تجدید انتخاب شعب ـ قانون شرکت ها ـ شور اول راپورت کمیسیون بودجه راجع بورثه سید حسن و میرزا اسمعیل مجاهدـراپورت کمیسیون بودجه‌راجع بمحسن خان .

(مجلس تقریباً ۳ربع ساعت‌ازظهر ختم شد) .

جلسه۲۶۹

صورت مذاکرات روز ۵ شنبه ۹شهر رجب‌المرجب ۱۳۲۹

مجلس ۳ ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملك افتتاح و در ساعت سه قبل از ظهر رسماً منعقد گردید — صورت مجلس قبل قرائت گردید .

غائبین جلسهٔ قبل ـ بدون اجازه آقا شیخ‌حسین یزدی ـ دکتر اسمعیل خان ـ ناصر الاسلام ـحاجی امام جمعهـآقا سید حسن مدرس

غائبین بااجازهـ آقا شیخ رضا ـ آقا سیدمحمد باقر ادیب ـ ادیب التجار .

غائبین از وقت مقرره — آقا میرزا اسدالله خان ۴۰ دقیقه آقا میرزا ابراهیم قمی یك ساعت و چهل دقیقه

رئیس ـ آقامحمد هاشم میرزا اظهاری‌داشتند درصورت‌مجلس؟

محمدهاشم میرزا ـ در اینجا که نوشته شده است بنده و حاجی شیخعلی قائل بتفصیل در نظامنامهٔ انتخابات بودیم بعد از آن مذاکره قبل از تنفس فرمایشی که آقای نایب رئیس فرمودند بعد از تنفس در این خصوص توضیحی دادم او را اشاره‌نکرده اند.

معززالملك — درصورت مجلس قید شده است که در پیشنهاد آقای بهجت در قابل توجه بودن‌رأی گرفته‌شد درصورتی که آن ترتیب‌یکقدری مخالف با قانون بود بجهت این که بعد از آنکه قابل توجه‌شدتقاضای فوریت شد بنده‌عرض کردم‌رأی گرفتن مخالف نظامنامه داخلی است .

رئیس — اظهار آقای محمدهاشم‌میرزانوشته خواهد شد .

معززالملك — در خصوص اظهار بنده چطور .

رئیس ـ صورتمجلس آنچیزی‌است که‌واقع‌شده است تمامش که نوشته نمیشود .

آقا میرزا داودخان — درگرفتن رأی درکلیات عده از نمایندگان تقاضای رأی علنی با اوراق کرده‌بودند اینهم قیدنشده است.

رئیس ـ اینهم‌اصلاح‌میشود ـ دیگرملاحظاتی نیست (ملاحظاتی‌نبود .)

رئیس — صورت مجلس تصویب شد دستور امرور تعیین‌شعب‌شور اول قانون شرکت‌های‌تجارتی راپورت کمیسیون بودجه راجع بورثهٔ سیدحسن و میرزا اسمعیل مجاهد ایضاً راجع‌بمحسن‌خان‌مطابقه شده است .

(آقای‌ارباب‌اظهارداشتند ـبله) .

ارباب کیخسرو ـ در جلسهٔ قبل تلگرافی از اردبیل رسیده بود حضرتعالی فرمودید رجوع میشودبکمیسیون داخله که‌راپورت‌آن را بدهندتاحال نتیجه معلوم‌نشده‌درصورتی که‌ممکن است امروزتقاضا میکنم‌جزء دستورشود .

رئیس ـ هنوز راپورت‌نرسیده است ـ شروع میکنیم بانتخاب شعبات .

معاون‌پست‌وتلگراف — دو فقره لایحه است که‌از طرف وزارت تجارت تقدیم مجلس‌شورای ملی میشود یکی راجع بجلب یك مستشاری است برای اداره کردن امور تجارت که اهمیت آن را آقایان‌بهتر از بنده میدانندکه برای تأسیس تجارت اول اقدامی که باید در این مملکت بشود این است که یکنفر مستشار برای این‌کار استخدام شود یك یك فقره دیگر راجع بیك امتیازی است که به (جلال یانس) داده شود راجع بچرم سازی که در خارجه خیلی تحصیل کرده است هم در علم و هم‌در عمل‌میخواهددر اینجاکارخانهٔ چرم سازی دائربکند و این مسئله را وزارت تجارت خیلی لازم میدانند زیرا اشخاصی که محتاج بچرم‌هستند از کفاش وغیره خیلی تظلم کرده اند وبهیچ راهی این‌کار میسر نیست که آن ها راحت شوند مگر این که کارخانه دائر شود و یك امتیازی از طرف دولت تقاضا شده‌است که به (جلال‌یانس) برای این‌کار داده‌شود تقاضای فوریت‌هم شده‌است .

رئیس — بکمیسیون های مربوطه فرستاده می شود .

(در این‌موقع شروع‌به تعیین‌شعبات گردید)

رئیس —عده حاضرین (۸۳) نفر پنج‌شعبه هر یکی (۱۴) نفروشعبه ۶ (۱۳)نفرخواهدبود .

شیبانی — آقا میرزا یانس — نجم آبادی ـ

آقا شیخ حسین یزدی - حاجی شیخ الرئیس - دکتر حاج رضا خان - آقا سید حسین کزازی - آقا میرزا رضای مستوفی - محمدهاشم میرزا - آقامیرزا دادوخان - آقاسید محمدباقرادیب - آقاشیخ ابراهیم زنجانی - نیرالسلطان.

(شعبه دویم)

آقا میرزا ابراهیم خان — آقا سید محمد رضای مساوات — هشترودی - آقا محمد بروجردی مؤتمن الملك — ادیب التجار — سلیمان میرزا شریف العلماء . دکتر لقمان . آقا میرزا علی رکن الممالك - آقامیرزا رضای نائینی - متین السلطنه

(شعبه سوم)

معدل الدوله . منتصر السلطان . دهخوارقانی . کردستانی . آقامیرزا احمد قزوینی . سعیدالاطباء آقامیرزا قاسمخان . تربیت . فرزانه . معین الرعایا آقامیرزا مرتضی قلیخان . آقاعبدالحسین بروجردی اعتصام الملك .

(شعبه چهارم)

حاجی محمد کریمخان قشقائی . انتظام الحکماء حاجی آقای شیرازی . صدرالعلماء . وحیدالملك . طباطبائی . عزالملك . بهجت . دهخدا . علی زاده معاضدالسلطنه . آقاسید حسن مدرس . آقا شیخ محمد خیابانی .

(شعبه پنجم)

ذکاءالملك . آقا شیخ غلامحسین . حیدر میرزا افتخارالواعظین . ارباب کیخسرو . ضیاءالممالك . دکتر علیخان . حاجی امام جمعه . آقا سید محمد رضای همدانی . حاج وکیل الرعایا . آقا شیخعلی شیرازی . آقامیرزا محمدنجات - معتمدالتجار .

(شعبه ششم)

حاج عزالممالك . حاجی سید نصرالله . آقا سید حسین اردبیلی دکترامیرخان . حاج شیخ اسدالله لسان الحکماء . معززالملك . آقا سیدجلیل . آدینهٔ محمد خان . ابوالقاسم میرزا . حاج شیخعلی خراسانی آقا میرزا ابراهیم قمی . لواءالدوله .

رئیس — برای پنج شعبه هر شعبه یکنفر اضافه میشود .

شعبه اول - حاج سید ابراهیم شعبه دویم مشیر - حضور شعبه سوم - حاج میرزا رضا خان شعبه چهارم - دکتر اسمعیل خان شعبه پنجم ناصرالاسلام.

رئیس - شروع بقانون شرکت ها میشود و مذاکره در کلیات است مخالفی نیست (درکلیات مخالفی نبود)

رئیس- رای میگیریم که داخل درموادبشویم وچون عده کافی نیست منتظر میشویم که عده کافی شود (دراینموقع عده کافی شد)

رئیس -رأی میگیریم که داخل درمواد بشویم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس — باکثریت تصویب شد ماده اول شروع میشود.

(ماده اول طرح قانونی شرکت ها بعبارت ذیل قرائت شد .)

ماده ۱ — شرکت خصوصی عبارت ازشرکتی است که مابین چندنفرضامن جامع مسئول وبلاحد برای یك امر تجارتی منعقد میشود(ماده ازراپورت کمیسیون فوائدعامه) .

ماده اول - شرکت خصوصی عبارت از شرکتی است که مابین دونفر یاچند نفرکه هریك بقیدالتزام ضامن کل ومسئول بلاحد هستند برای هر یك امر تجارتی منعقد میشودانعقاد این شرکت خصوصی باین ترتیب است که دوماده ذیل را درشرکتنامه قانونی درضمن قرار داد بین شرکاء شرط کرده و جمیعاً ملتزم شوند .

بهجت - عقیده بنده این است کاابتداءبطور کلی اقسام شرکت ها ذکر بشود بعد شروع بشود باین تعریفات .

رئیس - در این ماده که مخالف نبودید در این ماده مخالفی هست؟

هشترودی - بنده یك لفظی را میخواهم بفهمم بعدازاین شاید بخواهم عرض بکنم اینکه لفظ کل نوشته‌اند یعنی بمعنی اینکه ضامن یکدیگرند یا اینکه ضامن کل یك معنی دیگری دارد

منتصر السلطان - مراداز شرکت خصوصی که دراینجا ذکرشده است که هر کدام بقید التزام ضامن کل خواهند بود یعنی این سرمایه که در این شرکت گذاشته‌اند واین شرکت را تأسیس کرده‌اند این چند نفر شریك ضامن ومسئول کل هستند در این وجوه و معاملاتی که با مردم میکنند کااگر یك وقتی این شرکت درمعاملات بمردم مقروض شداین چند نفرشریك کلیة ضامن باشند ومسئول این دین هستند که باید از دارائی شرکت بپردازند و اگر چیزی باقی ماند از دارائی شخصی خودشان برای این دینی که ازمردم بگردن آنها وارد شده است و ومقروض هستند بپردازند این ضامن کل عبارت از اواست که ضامن کل هستند درمقابل آنقروض

آقاسیدحسن مدرس - بنده خواستم کهدر کلیات عرض کنم نشدلکن گمان میکنم کهدراصل قانونیکه جامعه باشد لفظ جامع بهتر از لفظ کلی است که در کمیسیون نوشته‌اند وهمان غرضی راکه فرمودند از این کلمه فهمیده میشود یعنی این ضامنش است جامع یعنی کل واحد ضامن هستند کهآنقرضی راکه کرده‌اند یا میکنند از هر کدام که مطالبه کنند باید بدهند این یك عرض دیگر که آن التزام اول آقای مخبر هم التفات بفرمائید کهمسبوق بشوند آن لفظ اول لازم نیست یعنی آن التزام اول محتاج البته نیست بعداز آنکه درذیل اینقانون ملحق فرمودند کهانعقاد این شرکت مخصوص باین ترتیب است که ماده ذیل را درشرکت نامه قانونی درضمن قرارداد بین شرکاء شرط کرده وجمیعاً ملزم شوند این وافی وکافی است ازآن التزامی کهدر اول ماده علیحده ذکر کرده‌اند ومحل احتیاجی نیست .

افتخارالواعظین (مخبر) - این لفظی کهفرمودند درخود قانون لفظ جامع بوده است ولی در کمیسیون اورا مبدل بلفظ کل کردند و کمیسیون این لفظ کل را مسترد میدارد و لفظ جامع را قبول میکند اما اینکه آقای هشترودی فرمودند توضیح بدهند مثلا سه نفر هر یکی پنجاه هزار تومان میگذارند و یك شرکت خصوصی تشکیل میدهند کهعموماً سرمایه‌شان صدو پنجاه هزار تومان است در وقتیکه میخواهد این شرکت منعقد شود درذیل قرارداد ملزم میشوند کههر کدام از ماها ضامن جامع هستیم یعنی اگر معامله کردیم ویك کسیکه طرف معامله شرکت واقع شدو ده‌هزار تومان طلب کارشدمیتواند ده‌هزار تومان خودش رااز هر یکی از آنها مطالبه بکند او هم نمیتواند بگوید کهاینوجه راشما باید برسه قسمت بکنید ویك قسمتش رااز من بگیریدو دوقسمت دیگر رابایدازرفقا بگیرید موافق قرار دادی که در ابتدا شرکت داده‌اند از هر کدام آنها که مطالبه نماید میتواند مطالبه نماید وباید آن ده هزار تومان راآن یکنفر بدهد منتها اوبعداز دادن طلب آن طلب کار میتواند آن دوقسمت را از دیگران بگیردیعنی از شرکاء خودش مطالبه کند.

هشترودی— بنده باعتقادم لفظ کل راتبدیل بجامع کردند گویا باز کافی نیست همان ضامن یکدیگر باشند بهتر است بجهة اینکه آقای مخبر این تقریر کهفرمودند معنایش اینست که یکی یکی بتمام آنقرض ضامن هستند وهریك از آنها راکهصاحب قرض بقیه‌اش را گرفت باید بدهد بعدازآن دوشرکت دیگر آن دوثلث دیگررا طلبکاری بکند بنده تصور میکنم که ضامن یکدیگر باشند بهتر است و پیشنهاد میکنم کهضامن یکدیگرباشند .

رئیس— مقصود که معلوم شد حالا لفظش رابعد در کمیسیون میتوانیم جرح وتعدیل بکنیم.

حاجی سیدابراهیم— بنده میخواستم عرض کنم که باینعبارت بنویسند کهضامنند بضمانت جمعی.

آقامیرزا احمد— بنده لفظ جامع را خوب نمیدانم ودر کمیسیون هم عرض کردم که لفظ جامع مطلب را نمیفهماند معنائی که لفظ کل را میفهماند هیچ جامع نمیفهماند یا باید جمعی یا مجموع یا کل باشد جامع این معنارا نمیفهماند وغلط است.

رئیس — قبل از شور دویم در کمیسیون اصلاح میشود ماده دویم.

(ماده دویم طرح قانونی بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۲ - اشخاصیکه باسم شرکت حق معامله داشته وچنین معامله کرده‌اند طلبکار شرکت نظر بضمانت جامع شرکاء حق دارد تمامی طلب خودرا از هریك ازشرکاء کهبخواهد مطالبه نمایدبدون اینکه شریك مزبور متعذرشود که قسمتی ازآن وجه بعهده سایرین است بدیهی است کهبعداز ادای قرض هریك ازشرکاء بایدقسمتی راکهبروفق شرایط شرکت نامه بر عهده اوست تادیهٔ نماید (ماده دویم راپورت کمیسیون).

ماده ۲— اشخاصیکه باسم شرکت حق معامله داشته وباین عنوان قرض کرده اند طلب کار شرکت نظر بالتزام ضمانت جامعه شرکاء حق دارد تمامی طلب خودراازهریك ازشرکاء که بخواهد مطالبه نماید بدون اینکه شرکت مزبور متعذر شود که قسمتی از آنوجه بر عهده سایرین است و بعد از ادای قرض هر یك از شرکاء باید قسمتی را که بروفق شراکت نامه بعهده اواست تأدیه نماید ولو ازدارائی شخص خودش .

رئیس — در اینماده مخالفی هست؟(مخالفی نبود)

(ماده سوم طرح بعبارت ذیل قرائت گردید)

نظر بمسئولیت بلاحددرصورتی که قروض شرکت بیش از دارائی شرکت است فاضل آن باید از دارائی شرکت داده شود .

ماده راپورت کمیسیون .

ماده ۳ — نظر بمسئولیت‌در صورتیکه‌قروض شرکت بیش از دارائی و مال‌الشراکه باشد فاضل آن باید از دارائی شرکاء داده شود .

رئیس — مخالفی هست .

آقا محمد بروجردی — یك لفظی در همین ماده است‌ودرماده سابق هم‌بود که یك‌تکراری در اینجا از او فهمیده میشود یاآن جزء اخیرماده سابقه یا این ماده کفایت میکند وآن این است‌که میگویند در آخر ماده دویم (که بر عهده او است باید ادا نماید و لواز دارائی خودش) در این‌ماده هم میگویدکه اگر قرض فاضل از دارائی شرکاء باشد از دارائی خودشان میدهند این تایك اندازه مطلبش فرق دارد و تکراراست یا این ماده حذف شود وهمان جزء اخیر ماده دوم کافی است‌یااین‌که آن جزء اخیر ماده دوم حذف شود .

افتخارالواعظین — این دو ماده در دو موضوع مختلف است و استدعا میکنم‌که آقایان در وقت توضیح دادن توجهی بفرمائیدیکوقت اینست‌که طلبی‌دارند ازشرکت‌که زیاد از دارائی ومال‌الشراکه نیست متلا تمام دارائی شرکت‌صدوپنجاه هزارتومان است و طلبکار ده‌هزارتومان‌طلبکار است نمیخواهد این‌ده‌هزارتومان خودش را از سه نفر مطالبه کند از یك نفر مطالبه‌میکند او نمیتواند بگوید که از دارائی و اموال مال الشراکه فعلا باندازه ده هزار تومان در دست من‌نیست‌که من بدهم باید ده هزار تومان را بدهم و لو از دارائی خودش باشد اما ماده ثانی در وقتی است‌که طالب بیشتر از دارائی شرکت باشد وسرمایه شرکت‌که‌صدهزار تومان‌بوده است تلف شده پنجاه هزار تومان هم باقیمانده حالا مردم‌پنجاه هزارتومان طلب دارندازاین‌شرکت باید آن پنجاه هزار تومان دیگر را این سه نفر شریك از دارائی خودشان بدهند ولی نمیتوانند متعذر بشوندباینکه ازمال الشراکه اینقدرباقی‌نیست ایندو موضوع مختلف است

ارباب کیخسرو — آخر اینماده مخالفت دارد باماده دویم یعنی مطلب را درست نمیفهماند ماده دویم نوشته است بهریك شرکاء نسبت بدارائی او واینجا مبهم نوشته‌است مینویسد ازدارائی‌شرکاء وهیچ معین نمیکند که از دارائی هر یك یا از دارائی تمام شرکاء این را توضیح‌نکرده است‌ممکن است یکوقتی آن‌دوشریك دیگر هیچ نداشته باشند ویکنفر ازشرکاء دارائی داشت باید ازتمام‌بگیرندیا از یکنفر .

افتخار الواعظین - مراد ار دارائی که اینجا ذکر شده است دارائی فرد فردآنها است

رئیس - دیگر مخالفی‌نیست (اظهاری نشد)

ماده چهارم (ماده ٤ طرح مزبور بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده ٤ اسم شرکت باید متضمن اسامی تمام شرکاء باشدیااینکه اقلااسم یکی‌از آنهایالفظ کمپانی درعقب آن ذکرشود کمیسیون این طور پیشنهاد کرده بود .

ماده ٤ اسم شرکت باید متضمن اسامی تمام شرکاء بودیااینکه اقلا اسم‌یکی‌از آنها بالفظ‌شرکاء در عقب‌آن ذکرشود .

حاجی سید ابراهیم — یك اسمی که شامل تمام اسامی باشد یعنی‌چه اسم شرکت متضمن تمام شرکاء باشد که نمیشود پس باید همان شق دویم باشد که شرکت باسم یکی باشد و بعدش هم عقبش لفظ شرکاء باشد و الا یك اسم‌نمیتوانیم پیدا کنیم‌که متضمن ده اسم باشد .

منتصرالسلطان — مقصوداین‌است نمیشود گفت شرکت فلان فرضاً چنانچه داریم‌ که میگویند شرکت اسلامی یا شرکت اتحادیه این سند نمیشود باید وقتیکه شرکت تأسیس میشود اسم یکی از آنها نوشته شود و بعد اسامی سایر شرکاء نوشته شود مثل اینکه در ابتدا بنویسند شرکت احمد یا شرکت ربیع‌زاده وغیره مثل اینکه میگویندشرکت طوماسیانس یا شرکت زینگلر و بعد باو شرکت را بچسبانند باید اسم یکنفرشان معلوم باشدچون امضا میکند .

هشترودی — اسم شرکت‌بنده باعتقادم‌این نباید باشد باید یك اسمی باو بگذارند مثل کمپانی نفط مثلا اسم شرکت‌گویا مراد شرکت آن‌چیزی است‌که یك شرکتی در آن چیز میکنند اینکه‌اسم شخص مثل علی زاده یا اسم دیگر حالا تغییراتی‌در عبارت داده‌شده است یا اینکه مقصود چیز دیگر است خوبست توضیح بدهند .

افتخارالواعظین — مراد این است‌که‌این شرکت باسم‌یکنفر از شرکاء یا اسامی تمام‌شرکاء درآن شرکت نامه و در آن‌کاغذ های رسمی که در اداره آنها مکاتبه میشود نوشته مثل اینکه نوشته میشود شرکت‌محمد وحسن وحسین یا اینکه نوشته خواهد شدشرکت محمد و شرکاء اسم یکی‌ازشرکاء محققاً باید باشد عقب سرش هم لفظ شرکاء یا اینکه درشرکت نامه وکاغذ هائیکه معامله میکنند اسم تمامی شرکاء نوشته باشد و نباید بنویسند شرکت اسلامی یا متحد، متفقه باید معلوم شود کسانیکه شریك هستند و ضامن اسناد شرکت هستند چه اشخاصی هستند .

حاج‌سید ابراهیم — این‌بیانیکه‌میفرمائید خیلی خوب است لکن عبارت واقعی نیست بجهة‌این که میگوید اسم شرکت متضمن اسامی سایرین‌باشد که‌گفتند یا باسم‌یکنفر از شرکاء باسامی تمام‌شرکاء باشد ولی‌این غلط است‌که شرکت باسم تمام‌شرکاء نوشته شودیا باسم یکی‌از آنها در هرحال این‌عبارت درست این مقصود را نمیرساند .

بهجت — هیچ مانعی ندارد بگوئیم شرکت متفقه حسن و محمدو جعفر ایشان تصور میکنندکه مقصود از اسم‌اسم‌مرکب است یا بسیط وقتی گفتیم شرکت متفقه حاجی احمد و حاجی حسن و حاجی حسین مجموع اینها اسم شرکت میشود هم ممکن است بگوئیم شرکت متفقه‌محمد و شرکاء حالااینجا قید شده است آن اسمی‌که میگذارند برای شرکت ها اسم شرکت متضمن‌اسم یك شریك یا شرکاءاست اسم یکی از شرکاء برده شود یا اسم تمام شرکاء دیگر مقصودی نیست .

ماده پنجم طرح — شرایط صحت تشکیل شرکت از قراری است‌که در موادذیل ذکرشده‌که هرکدام‌که رعایت‌نشود موجب بطلان شرکت است

ماده پنجم‌از راپورت کمیسیون شرایط‌تشکیل شرکت از قراری است که در مواد ذیل ذکر و هرکدام‌که رعایت نشود موجب عدم انعقاد شرکت خصوصی‌خواهد بود .

حاج سیدابراهیم -این عدم رعایت‌شرایط یکمرتبه دربدو امراست این باعث عدم‌رعایت انعقاد میشود یکمرتبه در وسط امر است این باعث بطلان میشود نه‌عدم انعقاد این هردورا اگر بخواهندرعایت بکنند ازاین یك شرط صحیح نیست .

افتخار الواعظین — مراداز این شرایط همان شرایطی است‌که قبل ازانعقاد باید معین باشد مثلا شرایط باید معین شده باشد مرکز معین شده باشد و در ضمن آن قانونیکه پیشنهاد شده است آنجا باید آنشرایط را ملاحظه کرده باشند اگر آنشرایط مراعات شده باشد شرکت رسماً منعقد میشود واو راشرکت میتوان شناخت و اگر چنانچه آنشرایط مراعات‌نشده باشد بهیچوجه آنرا شرکت نمیتوان اسم گذاردشرکت حاصل نمیشودبلکه‌برعایت آن شرایط .

ارباب کیخسرو -بعقیده بنده عوض موجب عدم انعقاد نوشته شود موجب انفصال میشود چون بساهست‌که آن‌شرایط رعایت نشودو آنوقت ممکن است منفصل شود

آقا سیدحسن مدرس — شرایطی‌که‌در مواد ذیل است‌شرایط وسطی نیست شرایط ابتدائی است لهذا همانطور که آقای مخبر فرمودند صحیح است‌و لفظ عدم‌انعقاد بدنیست .

معززالملك - بنده موافقم با آقای ارباب کیخسرو و عقیده‌ام اینستکه‌کلمه انفصال باشد بهتر است‌از عدم انعقاد .

منتصرالسلطان- انفصال وقتی میتوان‌ذکر کردکه شرکت انعقاد شده‌باشد و آنوقت در وسط انعقاد بعضی قصور غفلت‌ها بشود و یك‌ترتیبی بشود که‌انفصال حاصل‌بشود واین دروقت شروع‌بکار است وقتی‌میخواهندشروع بکنندمیگویندهریك‌ازاینشرایط مواد ذیل باین ترتیب که ذکر میکنیم انجام داده نشود این‌شرکت منعقد نشده است وما او را باسم شرکت نمی‌شناسیم وشرکت نیست .

حاجی‌سیدابراهیم — یکی ازشرایطیکه الان ذکر کردند سرمایه است اگر بعداز یك‌ماه‌از انعقادشرکت یکی ازشرکاء یك‌مقدار از سرمایه را برداشت و رفت واقعاً میشود گفت چرا برداشتی نه بقدریکه سهم دارد در اینصورت نمیشود گفت عدم انعقاد بجهة آنکه دروسط امر و سرمایه است و نمیتوان گفت سبب‌میشود که‌این‌شرکت‌رانتوان‌برسبب شناخت‌نه‌اینست که‌در بدوامرباشد پس‌خوبست‌طوری بنویستند که‌هم‌شامل انفصال واسطه باشد هم شامل عدم انعقاددر بدوامر

منتصر السلطان- اینراجع بماده(۷)است

در اینجا که میرسیم شرح داده میشود و جوابشان عرض میشود .

آقامیرزاابراهیم‌قمی--بنده‌یك‌لفظ(بطلان) را لازم میدانم که قبل‌از عدم انعقاد نوشته شود که هر دو قسم را شامل بشود چه شرکتی که منعقد شده است چه شرکتی‌که منعقد نشده‌است .

رئیس— دیگر کسی مخالف نیست(اظهارشد خیر) ماده ٦ خوانده‌میشود (ماده٦ طرح بعبارت‌ذیل قرائت شد) .

ماده ٦ هرچند نفرشریك‌است باید بعهده آنها شرکت‌نامه‌نوشته شود .

ماده ٦— پیشنهاد کمیسیون شرکت‌نامه باید بعده شرکاء نوشته‌شود .

ارباب‌کیخسرو— اینرا بنده ناقص میدانم شرکت‌نامه باید بعده شرکاء نوشته شود صحیح است ولی آیادرکجا ضبط‌شودعقیده بنده آنستکه نوشته شود هرنسخه پیش‌یك نفر شریك ضبط میشود چون اینماده برای توضیح است از اینجهة لازم است که نوشته‌شود .

منتصرالسلطان— درمواد میآید که‌تکلیف این شرکت‌نامه‌ها چه میشود حکومت ضبط میکند تمبر میکند وزارت تجارت‌وزارت‌عدلیه بایدهرکدام دو نسخه از اینرا دارا باشند اینهادرمجلس‌میآید .

(ماده ۷طرح بعبارت ذیل خوانده شد) .

ماده ۷ — شرکت‌نامه‌بایدمتضمن مطالب‌ذیل باشد اولا مبلغ سرمایه و اگر یك قسمتی از آن جنس است تعیین‌قیمت آن‌ثانیاًاسامی شرکاء وحصه هریك از آنها ثالثاً مقصودایجاد شرکت ومدت‌آن رابعاً حقوق‌وحدودودرجه‌واختیارات مدیران‌شرکت خامساً طرز تقسیم منافع سالیانه مابین شرکاء سادساً امتیازاتیکه در باره بعضی شرکاء رعایت شده است سابعاً تعیین مرکز شرکت (ماده ۷ را کمیسیون عیناً تصویب کرده‌است) .

آقامیرزااحمد برحسب موادیکه بعداًمیآید مدیران همه‌جا نوشته شده وهر دورا دارد دراینجا هم خوب است مدیر ومدیران نوشته‌شود .

رئیس-دیگرمخالفی‌نیست(اظهاری‌نشد).

ماده ۸ - طرح -شرکت نامه یامصدق است یا غیرمصدق درصورت‌وقوع تنازع‌و ترافع شرکت‌نامه مصدق بیشتروبهتر از شرکت‌نامه غیر مصدق دلالت براحداث‌شرکت وثبوت‌شرایط آن‌خواهد نمود .

(راپورت کمیسیون‌ماده۸ باسقاط لفظ (بیشتر) عیناً تصویب) .

رئیس — در ماده (۸) مخالفی نیست (اظهاری نشد) .

ماده ۹طرح -برای مصدق کردن شرکت‌نامه شرکاء باید شخصاً در محضر وزیر تجارت و وزیر عدلیه حاضر شده‌مراتب مسطوره‌را اظهار دارندپس ازآن‌شرکت‌نامه‌باید بمهروامضای دووزارت تجارت ووزارت عدلیه واقلا پنجنفر ازتجار معتبررسیده در دفتر دووزارت مزبور ثبت شود وتمام این ترتیبات باید درمتن‌شرکت‌نامه قیدشده‌بمهر وامضای وزارت تجارت برسد (راپورت کمیسیون عیناً تصویب‌شد)

میرزاابراهیم‌قمی — برای‌مصدق کردن عبارت‌بدیست برای‌تصدیق رساندن یا تصدیق کردن بهتر است .

رئیس — دیگر مخالفی نیست؟ (مخالفی نبود .)

ماده۱۰طرح -در ولایات همین ترتیب معمول خواهد بود والا اینکه درباب‌مراسم راجعه بوزارت تجارت بحکومت محل‌ودرباب مراسم راجعه‌بوزارت عدلیه بامین عدلیه رجوع میشود ولی دونسخه‌مصدق باید باهتمامات شرکاء بوزارت تجارت ووزارت‌عدلیه فرستاده‌شودوحاکم‌مکلف است کسوادمصدقی‌ارسال دارد و بوزارت تجارت و وزارت عدلیه داده شود (کمیسیون عیناً تصویب کرده است) .

محمد هاشم میرزا — اینجا که نوشته است درولایات همین‌ترتیب خواهد بود الا اینکه درباب مراسم راجعه بوزارت تجارت بحکومت‌تاآخر عقیده بنده اینستکه نماینده تجارت باشد بهترخواهد بود یعنی ونمایندگی تجارت باحکام باشد آیا علتی داشته است‌که کمیسیون این‌مسئله را اینطور نوشته است یاخیر والاپیشنهادمیکنم .

افتخار الواعظین - بهمان علتی‌که حضرت والا فرمودند نوشته شده‌است رجوع بحاکم شودو حاکم تصدیق بکند بجهة اینکه درولایات نماینده وزارت تجارت نداریم هروقتی که از طرف وزارت تجارت در ولایات نماینده باشد البته عوض حاکم خواهند برد پیش آن نماینده تجارت که اوتصدیق بکند مثل اینکه عدلیه چون درولایات شعبات دارد وامین عدلیه‌هست اینستکه گفته‌اند ببرند پیش امین عدلیه واوتصدیق بکند .

ارباب کیخسرو — ایراد شاهزاده محمد هاشم‌میرزا خیلی صحیح‌است فرض بفرمائید وزارت تجارت نماینده مخصوصی‌در جائی نداشته باشد باز همان حاکم خودش نماینده وزارت تجارت در این باب میشود ودر صورتیکه نماینده مخصوص نداشته باشد فرق نمیکند حاکم باهر کس که نماینده باشد میبرند پیش‌او وعقیده بنده‌هم اینستکه نماینده‌تجارت اضافه بشود .

افتخار الواعظین — بنده نمیدانم اگر بطریق اطلاق‌بنویسیم نماینده وزارت چطور اذهان مسبوق‌خواهدشد که‌حاکم است ازاین‌حیث که‌رسیدگی باین امر تجارتی کرده است نماینده تجارت است وحال آنکه حکومت در هیچ جا از طرف وزارت تجارت یك سمت رسمی ندارد اینستکه حاکم نوشته‌اند برای‌اینکه معلوم شودچون ازطرف‌وزارت تجارت نماینده نیست او بجای نماینده معین شده است وعین مقصود آقای ارباب هم اینجا منظور شده است .

آقامیرزا اسدالله خان — اینکه مخبر میفرمایند اینطور نیست در اغلب جاها ولو برای صرفه‌جوئی هم‌باشددل نمایندگی بیك‌مأمور میدهند یك‌وزارت خانه‌که پیشکار دارد وزارتخانه دیگرهم باو وکالت میدهد برای آنکه بکار رسیدگی کند وقتیکه یك حاکم را از طهران میفرستند وزارت تجارت دستورالعملهای لازمه راجعه بامور تجارت راباو میدهد وباومیگوید که‌تو نماینده‌من هستی در فلان‌محل که هروقت مطلبی واقع‌شود فلان قسم شما رفتار خواهید کرد این‌هیچ اشکالی ندارد .

منتصر السلطان — شرح مفصلی در این خصوص در مقدمه همین قانون ذکر شده است و اگر ملاحظه فرموده باشید اشکالات اینکار را آن شخص‌محترمیکه اینطرح‌راپیشنهاد کرده‌اند رفع کرده‌است وبهمان علت هم کمیسیون متقاعد شد کهما نمیتوانیم اینقدر را در اینجا شرط بکنیم کهبگوئیم حکماً رئیس تجارتی که‌آنجاهست باشد بعلاوه بملاحظه همان نظر بودجه ما امروزه صلاح ندیدیم کهنماینده‌ازوزارت تجارت نوشته شود حالاحاکم‌است‌وقتیکه نماینده تجارت‌درولایات‌معین شد بجای اسم حاکم میگذاریم .

رئیس - تجارت وهمان مقصود شما در واقع پیشرفت کرده است اینحق‌را فعلاما دراینجا بحاکم میدهیم کنماینده تجارت در ولایات حاکم باشداز اینجهة بلفظ حاکم قید شده است .

محمدهاشم میرزا - بنده افسوس میخورم که‌درست عرایضی که میشود جواب مطابق سئوال نمیدهند بنده عرض کردم بنویسند نماینده وزارت تجارت میفرمایند نماینده وزارت تجارت نیست‌فرض بفرمائید نباشد خیلی ازاین قوانین ازمجلس گذشت نوشته بودیم امنای عدلیه وحال اینکه همه جاامنای عدلیه نبودایرا نوشته بودیم کهاگرنبودیك تکلیف دیگری برای آن معین‌میکنیم واین‌هم یك قانونی است کهباید سالهای سال در این مملکت باقی بماند وشاید نماینده وزارت تجارت چنانچه سابقاً داشتیم عماً قریب‌معین‌بشودواینکه فرمودیدنمیتوانیدبگوئید حکماً رئیس تجارتی فلان جا است عرض‌نشد که حکماً وزارت تجارت نماینده داشته باشداگرهست نماینده وزارت تجارت واگرنیست حکومت محل و هیچ عیبی دراین عبارت نمیبینم وامثال این در سایر قوانین خیلی گذشته است ولی چون مسئله راجعه بفوائد عامه‌است‌مخبرمیل ندارندهیچ پیشنهادی‌بشود

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد(گفتند کافی‌است) .

ماده ۱۱ - ازطرح - شرکت نامه غیر مصدق باید درطهران دونسخهٔ ازآن یکی بوزارت تجارت داده شود ودرولایات یك‌نسخه دردفتر حکومت‌ضبط ودونسخهٔ دیگر برای وزارت‌تجارت‌وعدلیه فرستاده شود (ماده۱۱را کمیسیون‌عیناً تصویب کرده‌است).

حاجی‌شیخ‌الرئیس-اینکه‌نوشته‌است‌درتهران نظرش بمرکزیت تهرانست و لزوم ندارد که اسم طهران نوشته شود شاید یك‌وقت اقتضا کند که‌مرکز تغییر کند بنویسند در مرکز سلطنت شاید مرکز جای دیگر باشد

ارباب‌کیخسرو — آن‌ایرادیکه‌بنده‌عرض کردم درباب اینکه هرنسخه شرکت‌نامه باید درنزد هریك آن‌ها باشد ودر این‌ماده هم قیدشده است‌که نزد وزارت تجارت ووزارت عدلیه باشد و هیچ قید نشده است‌که نزد شرکاء هم باشد ودرمواد بعد هم بنده یك‌همچو چیزی‌را ندیدم ومیترسم این اسباب اشکال بشود هیچ‌ضرری ندارد که قید بشود که‌هریك نسخه باید پیش شرکاء هم‌باشد

افتخارالواعظین — دراین باب‌اگرلازم میدانید پیشنهادی بفرمائید کمیسیون هم‌قبول‌خواهد کرد .

رئیس - دیگر مخالفی نیست ؟
(اظهار شد خیر)

ماده ۱۲ طرح - ماده — شرکت نامه چه مصدق وچه غیر مصدق باید ازقرار صدی ربع تمبر الصاق شود .

راپورت کمیسیون — ماده ۱۲ شرکت نامه چه مصدق وچه غیرمصدق باید تمبر دولتی الصاق شده و قیمت موافق قانون دریافت شود .

محمد هاشم میرزا — مقصود مطابق کدام قانون است قانون ثبت اسناد است یا همین قانونست اگر همین قانونست که اینجا باید نوشته شود این خوبست تصریح شود که این قانون است یا قانون ثبت اسناد است

منتصر السلطان — در این مسئله مخبر کمیسیون عقیده اش این بود ابتداء که صد تومانی دو قران پیشنهاد بکند بعد بعضی مذاکرات در کمیسیون بعضی تجار از قبیل تومانیانس و غیره نمودند و گفتند این راجع بقانون ثبت اسناد است باید یکقانون مخصوصی داشته باشد و شما رجوع بکنید بآن قانون لهذا کمیسیون هم متقاعد شد حالیه اگر ممکنست در جزء قانون ثبت اسناد یك ماده الحاقیه نوشته شود یااینکه همین جا معین شود یااگر مجلس صلاح میداند یك پیشنهاد بکند همان نظر کمیسیون را از اول صد تومان دو قران بوده است یا صدی ربع آن شخصی که این پیشنهاد را کرده است قبول بکنید یا یك قانون دیگری نوشته شود .

بهجت — بنده هم این قانون را مخالف هستم اگر اینجا ذکر بشود و هیچ تفصیلاتی دیگر لازم ندارد اگر ما میخواهیم موافق قانون ثبت اسناد ویك حقی بگیریم و اگر میخواهیم یك چیز دیگری یعنی یك قانونی که نیست وبعد نوشته شود آنهم حرفی است پس باید بگوئیم مطابق قانون ثبت اسناد یااینکه مطابق مبلغی که درطرح معین شده و اگر کمیسیون زیاد میداند یا کم میداند یك چیزی زیاد یا کم بکنید یااینکه رجوع بکند به قانون ثبت اسناد و الا بطور کلی گفتن و مجمل گذاشتن صحیح نیست پس اگر خواسته باشید قانونی علیحده برای تمبر داشته باشیم باید بگوئیم مطابق قانون ثبت اسناد یا مطابق این پیشنهاد اگر زیادتر میدانید کم کنید و اگر کم میدانید زیاد کنید .

حاج سید ابراهیم — گویا مراد از این قانون که اینجا نوشته میشود مراد همین قانون است و بقانون ثبت اسناد هیچ ربط ندارد باینکه یك سند معامله در اینجا ثبت بشود آنجا دولت باید تمبر الصاق کند او فقط درحق ثبت آن سند است واین حق اختیار خود این قانونی است که اینجا میگذرانیم ولو صدی یا کمتر باشد .

ارباب کیخسرو — این ماده ابداً راجع بثبت اسناد نیست این قانون تمبر است ما نباید فراموش بکنیم هر چیزی که راجع است بمالیه نظرمان لایحه ۱۲ ماده که ۲۲ جوزا گذشته که باید نظر خزانه دار کل درعمل مالیه باشد خوبست این ماده رجوع بشود بوزرات مالیه وخزانه دار کل نظرات خودشان را در این ماده بنمایند و پیشنهادی بکنند .

حاج عز الممالك — اینکه اینجا مسئلهٔ راجع بقانون ثبت اسناد بشود بنده مخالفم بجهة اینکه اداره ثبت اسناد یك اداره آزادی است و مجبور نیست کسی که شرکت نامه یا سند خودش را ببرد ثبت بکند و اینجا بطور اجبار نوشته است که باید تمبر بشود و بنده موافقم که باید همان صدی ربع که اینجا معین شده است بگذرد نه اینکه بطوریکه کمیسیون نوشته مبهم باشد .

رئیس — مذاکرات کافی نیست ؟ (اظهار شد کافیست)

حاج شیخ اسدالله - همانطوریکه مذاکره شد این هیچ مناسبتی با ثبت اسناد ندارد و این یك قانون الصاق تمبری است وعرض میکنم باید درهمین نوشته شود و تعیین وجه آن شود وصدی دو قران را هم بنده زیاد میدانم و بنده در هر صد تومان یك قران برای الصاق تمبر پیشنهاد میکنم و تقدیم میکنم و هیچ ربطی هم باداره ثبت اسناد ندارد و در قانون ثبت اسناد هم یك همچو ماده ننوشته ایم و تصور میکنم که نشود این را راجع بقانون ثبت اسناد نمود و در اینخصوص چیزی گرفت و آن یك ترتیب دیگری دارد و ما از برای اینکه از شرکتها چه باید گرفته شود چیزی معین نکرده ایم درهرصورت گمان میکنم بهیچ وجه راجع به ثبت اسناد نباشد و بنده پیشنهاد میکنم که در صد تومان یك قران گرفته شود .

منتصر السلطان — گمان میکنم که کمیسیون نمیتواند این صد تومان یك قران را تصویب بکند و نظر آقای ارباب را کمیسیون تصویب میکند که این ماده بخزانه دار کل مستر شوستر باید رجوع شود و نظریات او هم معلوم شود آن وقت اینماده بگذرد .

حاج شیخعلی خراسانی - بنده گمان میکنم که این باید رجوع شود بقانون ثبت اسناد و ملاحظه اینکه باید رجوع شود بقانون اسناد که آقایان میفرمایند این است که آن وقتی که ماقانون ثبت اسناد را مینوشتیم قانون شرکتها نبود لکن حالا بیك نظر لازم است بجهة این که برای شرکت ها وضع کرده ایم ومعین میکنیم برای ثبت کردن شرکت نامه چه مبلغ بدهند که در دائره ثبت اسناد ثبت شود حالا آقایان میگویند که اداره ثبت اسناد آزاد است و مجبور نیستند که بآنجا ببرند بهمین جهت است که ما یك ماده درآنجا مینویسیم که مجبور شوند شرکت نامهٔ خودشان را ببرند ثبت کنند و این که صحبت ازتمبر میکنند اینجا ملاحظه ومذاکره میکنیم این راجع بقانون کلی تمبر است هر وقت آن قانون نوشته شد آن وقت یك ماده راجع بآن نوشته خواهد شد اینجا هیچ موضوعی ندارد .

رئیس - اگر میخواهید تجدید نظری بشود در کمیسیون میبایست تقاضا کنند که بر گردد به کمیسیون .

افتخار الواعظین - بله تقاضا میکنیم بر گردد بکمیسیون و تجدید نظری بشود دو مرتبه تقدیم خواهد شد .

رئیس - ماده (سیزده) خوانده میشود .

(ماده سیزده طرح بعبارت ذیل قرائت شد .)

ماده (۱۳) - شرکت نامه اعم از اینکه مصدق یاغیر مصدق باشد باید دریك روزنامه مرکز اعلان شود اگر مرکزغیر از تهران است علاوه برروزنامه فوق باید در یکی ازروزنامه جات تهران هم اعلان شود درصورتیکه شرکت شعبات متعدده داشته باشد شرکتنامه باید در روزنامهٔ هر شهری که شعبه آن است اعلان شود در جاهائیکه روزنامه نیست باطلاع حکومت درپنج معبر مختلف شراکتنامه بطوراعلان نصب میشود .

اصلاح کمیسیون - ماده (۱۳) شرکتنامه اعم از این که مصدق یاغیر مصدق باشد باید در یك روزنامه مرکز شرکت اعلان شود در صورتی که شرکت شعبات متعدده داشته باشد شرکتنامه بایددر روزنامهٔ هرشهری که شعبهٔ آن است اعلان شود ودر جاهائی که روزنامه نیست باطلاع حکومت در پنج معبر مختلف شرکتنامه بطور اعلان نصب میشود .

محمد هاشم میرزا - بنده اصل طرح را بهتر میدانم که دریکی از روزنامه های تهران اعلان شود حتی اگر مخالف باوظایف روزنامه رسمی نباشد درروزنامهٔ رسمی اعلان شود واگر مخالف باوظایف روزنامهٔ رسمی است دریکی از جراید تهران درج درج شود بنده علت این که اینرا از اینجا برداشته است نمیدانم چیست .

افتخار الواعظین - حضرت والا گویا آماده پیشنهاد کمیسیون را درست ملاحظه نفرموده اند اگر مرکز شرکت درخود تهران باشد که در یکی از روزنامه جات تهران اعلان میشود و اگر مرکز شرکت درطهران نیست اگر شعبه اش درطهران باشد باز چون شعبه اش درتهران است دریکی از روزنامه های تهران اعلان خواهد شد پس علی ایحال در یکی از روزنامه های تهران اعلان خواهد شد اعم ازاین که مرکز شرکت تهران یاجای دیگر باشد

حاج شیخ اسدالله — این که در اینجا مینویسند در یکی از روزنامه جات تهران واین را رسمی میکنند بنده علتش را نمیفهمم طبع و توزیع که شد در تمام مملکت منتشر میشود و مردم تمام اطلاع پیدامیکنند دیگر این که قید بکنند درروزنامه جات تهران مخصوصاً طبع وتوزیع میشود بنده علت این را نمیفهمم اگر محض اطلاع مردم است این کفایت میکند واینهم از وظایف شرکاء است که آن ها بجهة اطلاع مردم و بجهة اشخاصیکه میخواهند شرکت بکنند طبع و توزیع بکنند دیگر لازم نیست که مقید بکنند که در یکی از روز نامه جات تهران طبع وتوزیع میشود .

محمد هاشم میرزا - البته معلوم است که مقصود ازاین قانون وسائل استحکام شرکتها است و اسباب انتظام آن ها است واین که درروزنامه درج شود البته بهتر است و این که آقای مخبر فرمودند که بنده اشتباه کرده ام اینطور نیست این که بنده عرض کردم در تهران دریك روزنامه درج شود بواسطهٔ اینست که اغلب معاملات در تهران واقع می شود وازمرکز شروع میشود واگر درتهران اعلان شود براعتبار شرکت میافزاید .

افتخار الواعظین — در شور دویم نظر حضرت والا راکمیسیون رعایت خواهد کرد .

رئیس - مذاکرات دراین ماده کافیست ماده (۱۴) خوانده میشود .

(ماده (۱۴) طرح بعبارت ذیل قرائت) .

ماده (۱۴) — حك و اصلاح و تراشیدن و اضافه کردن الفاظ قدغن و ممنوع است مگراینکه تمام شرکاء عدهٔ الفاظ حك و اصلاح و تراشیده و اضافه شده را در حاشیه قید کرده و امضاء نمایند و الا بکلی از درجه اعتبار ساقط است و این مسئله وقتی است که حك و اصلاح و تراشیدن و اضافه کردن قبل از مراسم ماده نهم و ماده دهم شده باشد ولو اینکه تصدیق بشود آن شرکتنامه بکلی از درجهٔ اعتبار ساقط است .

(راپورت کمیسیون - ماده ۱۴ عیناً تصویب شد)

ارباب کیخسرو — بنده بکلی این جمله را در اینجا زیادی میدانم که قبل از آن که به تمبر عدلیه و امضاء وزارت تجارت برسد اگر اصلاحی لازم داشته باشد آن را حك و اصلاح بکنند وتمام شرکاء آن را امضاء بکنند اگر بتمبر عدلیه نرسیده است چه لزومی دارد که آنرا حك و اصلاح بکنند عوض اینکه حك واصلاح بکنند نسخه را عوض بکنند این چه اشکالی است که اینجا قید بکنیم اصلا اشکال را بردارند و حك اصلاح نکنند تا این که مجبور شوند همه شان امضاء بکنند ممکن است قبل از امضاء کردن عوض بکنند

آقا سید حسین اردبیلی -- بنده منافاتی نمیبینم که اگر بعد از الصاق تمبر عدلیه کم و زیادی کردند دومرتبه بتمبر عدلیه برسانند

منتصر السلطان — چون دو نظر در این جا اظهار شد یکی نظر آقای ارباب ویکی نظر آقای آقا سید حسین اردبیلی که فرمودند منافاتی نمیبینند در اینکه در صورت کم وزیاد عبارت الصاق تمبر بکنند چون این شراکتنامه قبل از این اصلاح در دفاتر دولتی ثبت شده و بعد که بخواهند حك و اصلاح بکنند دومرتبه باید ببرند در دفتر دولت آن وقت در واقع اسباب این میشود که دفتر دولت ضایع بشود و دفتر دولت را خراب بکنند از برای حك و اصلاح یك کلمه پس این نظر را نمیشود تصویب کرد و اما آن نظری که آقای ارباب داشتند البته نظر اساسی است ولی وقتیکه یك کلمه اضافه میخواهند بکنند این قابل آن نیست که آن ورقه را تمام تغییر و تبدیل بدهند و یك زحمت فوق العاده بکشند که یك نسخه را دو مرتبه بنویسند باین جهت گفته شد که اضافه بکنند یا اگر حك و اصلاحی لازم است بنمایند لکن تمام شرکاء امضاء نمایند

ارباب کیخسرو — بنده میخواهم از آقای مخبر سئوال کنم که کدامیك از این دو کار مشکل تر است یك صفحه راعوض بکنند یایك عده عبارت را تمام شرکاء بیایند پشت کلمه اضافه شده راامضاء نمایند گویا عوض کردن یك نسخه آسان تر باشد و از برای رفع اشکال هم بهتر است

رئیس — دیگر مخالفی نیست (اظهاری نشد)

رئیس - ماده (۱۵) را بخوانید

(ماده (۱۵) طرح بعبارت ذیل خوانده شد .)

ماده (۱۵) - مادامیکه مدیری برای آن شرکت معین نشده است هر یك از شرکاء میتواند فقط محض حفظ و قایه اموال شرکت از خرابی درصورت لزوم اقدامات نماید مدلول این ماده را هیچیك از شرکاء نمیتواند وسیله قرار داده اقدامات ومعاملاتی نماید از حدود اقدامات حافظانه خارج است (راپورت کمیسیون) درآخر جزء اول قبل از کلمهٔ نماید اضافه شود حافظانه .

هشترودی — از این ماده چنین معلوم میشود که هر شرکتی یك مدیری لازم دارد (تنها این ماده هم نیست بعضی مواد بعد هم همین را میفهماند اینجا هم میگوید مادام که مدیری معین نشده همچو میفهماند که مدیر برای هر شرکتی لازم است در این صورت باید بعد مذاکره کرد به بینیم قبل از این که مدیر معین شود شرکت در خارج منعقد می شود یا خیر تا بتواند یکی از شرکاء در صورت معین نشدن مدیر پارهٔ اقدامات حافظانه را بنماید .

رئیس — مخالفی در این ماده نیست ؟ (اظهاری نشد) .

رئیس - ماده (۱۶) خوانده میشود .

(ماده (۱۶) طرح بعبارت ذیل خوانده شد.)

مادهٔ (۱۶) - پس از تعیین مدیر اختیارات او از قراریستکه در شرکت نامه قید شده است ولی در هرصورت مدیر حق ندارد که بدون اجازه مخصوص شرکاء در خرید و فروش اموال غیرمنقوله یا استقراض یا صلح دعوا اقدامی نماید و الا هر نوع خسارتی وارد آید بر ذمهٔ مدیر است (راپورت کمیسیون) ماده (۱۶) تعیین مدیر و اختیارات و حق او از قراریستکه در شرکت نامه قید شده است ولی مدیر حق ندارد که بدون اجازه مخصوص شرکاء در خرید و فروش اموال غیر منقوله یا استقراض یا صلح دعوی اقدامی نماید و الا هر نوع خسارتی وارد آید بر-ذمهٔ اوست .

ارباب کیخسرو — بنده اینجا تصور می کنم که تعیین مدیر باید در نظامنامه شرکت معین بشود نه در شرکت نامه شرکت نامه برای انعقاد شرکت است و شرایط شرکت را مینویسد بعد نظام نامه مینویسند برای اداره کردن او درآن نظامنامه وجود مدیر را مینویسد که یك مدیری برای شرکت لازم است و اختیارات اورا مینویسد .

افتخار الواعظین — تعیین اختیارات مدیر را باندازه کمیسیون لازم میدانست که لازم دانست آن حدود را درشرکت نامه قید بکنند برای اینکه از آن حدودیکه درشرکت نامه قید شده است نتواند تجاوز بکند و معامله بکند که خسارتی وارد شود و اگر معامله بکند خسارت آن معامله بعهده او باشد برای اینکه کمال اهمیت باین مسئله داده شده باشد کمیسیون لازم دانست که در خود شرکت نامه قید شده باشد .

حاج سید ابراهیم — اینجا نوشته شده است که درخرید و فروش اموال غیرمنقول حق ندارد اقدامی بکند مگر باجازه شرکاء خوبست این را مقید بکنیم باینکه مگر در نظامنامهٔ شرکت باو اجازه داده شده باشد و اگر در نظامنامه قید شده است البته میتواند بااجازه بخرد ولی بدون اجازه مخصوص نمیتواند بخرد پس اینکه ما نهی بکنیم او را و بگوئیم که اجازه مخصوص لازم دارد مادامی است که خارج شده باشد از آن مواردیکه در نظامنامهٔ اختیارات باو داده شده است این نکته باید ملتفت باشند

افتخار الواعظین — اینجا دو موضوع است که باید آقا متوجه باشند یکی حدود و اختیارات مدیر را بطریق اطلاق کمیسیون باندازه مهم میداند که باید در خود شرکت نامه قید شده باشد و بعد از آنکه اختیاراتش در شرکت نامه قید شده است معذلك سه کار را نمیتواند بدون اجازه شرکاء بکند یکی نمیتواند یك مقداری زمین بخرد بگوید شرکت انبار لازم دارد و این زمینها را خریدم از برای ساختن انبار شرکت یکی هم نمیتواند برود پنجاه هزار تومان قرض بکند یکی هم نمیتواند اگر یك مرافعهٔ بین شرکت و کسی بوده است برود آنرا صلح بکند بیك مبلغی از طرف شرکاء برای اینکه اختیاراتش محدود باشد و در این سه امر اختیاری نداشته باشد این است که این سه مسئله بخصوص قید شده است علاوه براینکه اختیارات او در شرکت نامه قید میشود .

ارباب کیخسرو — بنده خیلی میل داشتم که مخبر ابتداء یك قدری اطلاعات از تجارت میداشتند و آنوقت اینجا مذاکره میفرمودند فقط این سه فقره مهم نیست خیلی از مواد و فقرات است که باید به مدیر اختیار بدهند یا ندهند حدود مدیر را کسی باید معین کند که مدیر را معین میکند اینجا یك حدودی را در فوق ذکر کردیم نسبت بحدود شرکاء که مثلا اگر طلبکاران بخواهند پول بگیرند از شرکاء بگیرند پس شرکاء نسبت بیکدیگر مسئول شدند نزد طلبکاران و مدیر مسئول شده است نزد شرکاء پس حدود آن را شرکاء باید معین کنند در نظامنامه شان و هیچ مربوط به اینجا نیست .

افتخار الواعظین — بنده هیچ نفهمیدم اینجا گویا آقای ارباب نظرشان بیك مدیری است که خارج از شرکاء است لکن اگر مدیر ازشرکاء باشد آنجا چه باید کرد آنجا هم بنده عرض میکنم که بدون اجازهٔ مخصوص شرکاء حق ندارد خرید اموال غیرمنقوله کند یا صلح کند یاقرض نماید .

رئیس - گویا مذاکرات کافی است حالا ده دقیقه تنفس داده میشود .

(مجلس بعداز تنفس یك ساعت وپنجدقیقه قبل ازظهر افتتاح وپس از بیست دقیقه رسماً تشکیل شد)

رئیس - تقریباً بیست دقیقه میشود که زنك زده شده است و آقایان تشریف نیاورده اند وباین واسطه وقت مجلس تلف شده است از این جهة بعداز اینکه زنك زده میشود هرکس پنجدقیقه بیشتر دیر حاضر بشود موافق نظامنامهٔ داخلی اسمش جزء غائبین نوشته خواهد شد .

معاون وزارت مالیه — لایحهٔ استراجع باستخدام سه نفر مستخدم جدید برای وزارت مالیه تقدیم مجلس میشود و تقاضا میکنم که در همین جلسه مطرح شور شود -(لایحه مزبور بعبارت ذیل قرائت شد) .

مجلس محترم شورای ملی — موافق مادهٔ هفتم قانون تشکیلات مالیاتی که درتاریخ ۲۳ جوزای ۱۳۲۹ از مجلس شورای ملی گذشته خزانه دار کل

از وزارت مالیه تقاضا نموده است که سه نفر معاون مالیاتی استخدام نماید . شرایط عمومی استخدام این سه نفر همان شرایط سابقین است و مقرری سالیانهٔ آنها از قرار ذیل میباشد معاون مالیاتی برای تشکیل ژاندارمری کل خزانهٔ سالیانهٔ ۵۰۰۰ دلار - معاون مالیاتی ۳۰۰۰ دلار معاون مالیاتی ۱۵۰۰ دلار جمع کل ۹۵۰۰ دلار مقرری این سه نفر ازبابت ۶۰۰۰۰ تومان اعتباریکه موافق ماده هفتم قانون مذکور فوق تصویب شده پرداخته میشود لهذا وزارت مالیه ماده واحده ذیل را پیشنهاد مجلس شورای ملی نموده تقاضای فوریت آنرا مینماید.

ماده واحده- وزارت مالیه مجاز است سه نفر مستخدم مالیهٔ کدو نفر آنها امریکائی و یکنفر از اروپائی هائیکه در ایران هستند با شرایط عمومی سابقین وبا مقرری های سالیانهٔ مفصله ذیل استخدام نمایدو مقرری آنهاازبابت شصت هزار تومان اعتباریکه موافق ماده هفتم قانون ۲۳ جوزای ۱۳۲۹ تصویب شده پرداخته میشود معاون مالیاتی برای تشکیل ژاندارمری خزانهٔ پنجهزار دلار - معاون مالیاتی سه هزار دلار معاون مالیاتی یکهزار وپانصد دلار.

رئیس — دلائل فوریتش را توضیح بدهید تااینکه رای بگیریم.

معاون وزارت مالیه— دلائل فوریتش خیلی واضح است چون استخدام این اشخاص برای تنظیم امور مالیهٔ استو هرچه بیشترسعی بکنیم دراستخدام آنها بهتراست از اینجهة تقاضاشده است که بفوریت از مجلس بگذرد .

رئیس — رای میگیریم بفوریت اینمسئله آقایانیکه فوریت اینلایحهٔ را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند.)

رئیس— باکثریت تصویب شد.

معاضد الملك — اگرچه در ابتدا این تقاضاشد ولی بازهم عرض میکنم که در همین جلسه این لایحه رامطرح مذاکره قرار بدهید که امروزاز مجلس بگذرد .

رئیس - دراین تقاضا مخالفی هست ؟(اظهاری نشد) - رای میگیریم باینکه این لایحه در همین جلسه مطرح مذاکره بشود - آقایانی که تصویب می کنند قیام نمایند.

(اغلب قیام نمودند).

رئیس — باکثریت تصویب شد .

(ماده واحده پیشنهاد وزارت مالیه مجدداً قرائت شد).

رئیس - کسی مخالف هست ؟

مشیر حضور — بنده میخواستم بپرسم از آقای معاون که این اروپائیهائی که دراینجا مستخدم هستند لابد بموجب کنترات خودشان یکمواجبی دارند حالا این مواجب علاوه بر آنها خواهد شد یا خیر .

معاون وزارت مالیه — از اروپائیها اشخاصیکه دراینجا مستخدم هستند و مواجب دارند لابد دارای یك خدمت هستند ولی این از اشخاصی استخدام خواهدشد که کاری ندارند .

رئیس — دیگر مخالفی هست؟(اظهاری نشد) رای میگیریم باین ماده واحده که ازطرف وزارت مالیه پیشنهاد شده است .

آقایانیکه این ماده واحده را تصویب می کنند ورقه سفید خواهند انداخت (اوراق رأی اخذشده آقای حاج میرزا رضاخان بقرار ذیل شماره نمودند ورقه سفید (۶۲) .

رئیس — باکثریت (۶۲) رأی از (۶۶) نفر نمایندگان حاضر تصویب شد شروع میشودبشور دربقیه قانون شرکتها از ماده (۱۷) (ماده ۱۷ طرح قانون بعبارت ذیل قرائت شد) اختیارات مدیر رانمیتوان بطورکلی ومبهم معین نمود تمام شقوق اقدامات ومعاملاتی که درحدود وظایف اواست باید بطورصحیح وواضح درشرکت نامه معلوم شود.

(کمیسیون پیشنهاد کرده بود که بعد از کلمهٔ (مدیر) کلمهٔ (یامدیران) اضافه شودو لفظ صحیح بلفظ (صریح) تبدیل شود) .

لواء الدوله — عرض کنم اختیار مدیر در نظامنامه داخلی معین خواهد شد بجهة این که درخصوص اختیار مدیر یامدیرا مثل اینکه در قانون اساسی همینقدر مینویسد که مجلس یك هیئت رئیسه داردو موافق نظامنامهٔ داخلی خودش آنرا معین میکند وهمچنین سایر ترتیبات دیگر خودش را که راجع بنظم داخلی خودش است دراینجا هم همینقدر بایدبنویسد کهاختیارات مدیر یامدیران در نظامنامهٔ داخلی شرکت معین خواهدشد .

رئیس — این ازموضوع خارج است راجع بماده (۱۶) استدیگر مخالفی هست(اظهاری نشد) ماده (۱۸) خوانده میشود(ماده (۱۸) طرح بعبارت ذیل قرائت شد) مدیر یا مدیران شرکت باید اقلا در رأس هر ششماه صورتی ازقروض ودارائی ومطالبات شرکت ترتیب داده و تمام معاملاتیکه درظرف مدت مزبوره شده است بطور راپورت بشرکاء بدهند والا مسئول خواهند بود و هریك ازشرکاء حق دارند بتوسط محاکم عدلیه صورت را مطالبه نمایند و اگر در این باب مخارجی بشود بر عهده مدیر یا مدیران است .

(کمیسیون پیشنهاد کرده بود که بعد از کلمهٔ (راپورت) اضافه شود (اجمالی بشرکاء بدهندودر رأس هرسال راپورت مفصل بایدبدهند تاآخرماده) ولفظ (محاکم) حذف شود).

حاج سید ابراهیم — بنده گمان میکنم که بجای (اقلا) باید نوشته شود (نهایت) بجهة این که بسامیشود درنظامنامهٔ داخلی شرکت بنویسند که سه ماه بسه ماه راپورت باید بدهند پس در اینجا باید کلمهٔ نهایت نوشته شود که اگر کمتر ازاین درنظامنامهٔ داخلی نوشته شود منافاتی نداشته باشد .

بهجت - قیدخواهد شددراینجا که مدیر اقلا درسر هرشش ماه مدیر باید یك صورتی بدهد و چون این شرکت شرکت خصوصی است و ممکن است که شرکه نظر باین که کارشان کار فلاحتی است ممکن نباشد در ۶ ماه صورت بدهند مگر این که یك سال بشود و از این جهة در شراکت نامه های خودشان قید بکنند یك ساله صورت حساب داده شود پس در این جانمیتوانیم قید بکنیم که حتماً باید در رأس هر ۶ ماه صورت بدهد برای این که مانمیتوانیم درقانون جلوگیری بکنیم از یك قراردادی که شرکاء بآن راضی میشوند برای منافع خودشان دیگر این که مینویسند درصورتیکه یکی ازشرکاء صورت حساب شرکت رابتوسط وزارت عدلیه بخواهد اگر از این بابت مخارجی بشود بر عهده مدیراست و چون این یك تحمیلی بر مدیر خواهد بود بهتر این است که در اینجا نوشته شود که ابتداء ازخود او صورت را مطالبه کنند در صورتیکه امتناع بکند رجوع بمحاکم میشود و در آن صورت مدیر باید از عهده خسارت بربیاید والا ممکن است یکی از شرکاء برای این که یك ضرری بمدیر وارد بیاورد بوزارت عدلیه تظلم نماید و صورت را بخواهد در صورتیکه خود مدیر شاید امتناع نداشته باشد از صورت دادن و در این صورت نمیتوانیم تحمیل بکنیم بر مدیر که مخارج آن را بدهد مقصود این است که این قید باید بشود .

افتخار الواعظین — این بدیهی است که هیچ یك از شرکاء بدون این که ابتداء بمدیر اظهار بکنند و صورت بخواهند و بدون استنکاف او از دادن صورت یك مرتبه بعدلیه رجوع نخواهند کرد بلکه این درصورتی است که یکی از شرکاء موافق این قانون و قرداد خودشان باو اظهار بکند که شما باید یك صورتیرا از تمام معاملات و کارهای شرکت بمن بدهید و او از دادن صورت استنکاف بکنددر این صورت رجوع میشود بعدلیه و بااین ترتیب هم بدیهی است که هر مخارجی از این بابت بشود بر عهده مدیر است و او باید از عهده آن بربیاید

محمد هاشم — بنده ایرادی که دارم در راپورت کمیسیون است آقای مخبر از اصل مطلب دفاع کردند و از فرمایش ایشان همچو فهمیده میشد که درصورت استنکاف مدیر ازدادن صورت رجوع بمحاکم عدلیه خواهد شد و لفظ محاکم لازم است که در این ماده باشد ولی در راپورت کمیسیون نوشته شده است که باحذف لفظ(محاکم)میخواستم این را توضیح بدهند که مقصودشان چیست .

رئیس — مقصودشان این بوده است که (محاکم عدلیه) نوشته نشود (عدلیه) نوشته شود

ارباب کیخسرو — بطوریکه ابتداء عرض کردم حالا هم عرض میکنم که اینها چیزهائی است که باید در نظامنامه که برای شرکت نوشته میشود معین بشود برای اینکه در شرکتها یك شرکتی است که باید هفته بهفته صورت معاملات وکارهای او را بدهند یکی هست که سال بسال باید بدهند یکی هست که شش ماه به شش ماه بایدصورت بدهند وحدود این مطالب باید در نظامنامه شرکت معین بشوددیگر اینکه ما نباید فقط نظربخارجه بکنیم و ببینیم که در آن جا چه ترتیب معمول است ما باید نظر باین مملکت هم بکنیم ویك چیزی را بنویسیم که بمقتضیات این مملکت هم نزدیك باشد و اگر این قانون برای تجارت است باید بمناسبت امور تجارتی قانون نوشته شود اشخاصیکه با یك شرکتی طرف هستند هیچ کار ندارد باینکه مدیرچه میکند طرف هستند باشرکاء و مدیر هرکاری که میکند از روی دستور العملی است که از طرف شرکت باو داده میشود وبنده اگر چه در اصل این مطلب هم مخالف بودم در اینکه

مدت را هم در اینجا معین کرده اند خصوصاً مخالفم و هیچ موافقت با این ماده ندارم .

منتصر السلطان این مسئله کاملا صحیح است که این مواد باید جزء نظامنامه شرکت نوشته شود ولی بیك علت ونظر کمیسیون این را قبول کرده است که در جزء قانون نوشته شود چنانکه در بعضی ازممالك دیگر هم جزء قانون است و آن این است که امروزه میدانید ترتیب مدیرها واشخاصیکه داخل میشوند دریك شرکت و سمت مدیری پیدا میکنند آن اختیاراتی که برای آنها معین میشود همینکه داخل شدند خیلی ازوظایف خودشان خارج میشوندوبزودی آن شرکت رانیست ونابود میکنند پس از برای جلوگیری آنها واز برای اینکه اشخاصیکه داخل امور تجارت هستند کم کم عادت بکنند ترتیبات قانونی واسباب اطمینان بشود باین مناسبت اینرا کمیسیون متقاعد شد که در اینقانون نوشته شود تا اینکه وزارت تجارت بتواند جلوگیری ازاین مفاسد بکند واگر بواسطه این قسم ازکارهای مدیر یك خسارتی ولو جزئی هم باشد برشرکت وارد بیاید باید او از عهده بر بیاید وقتی هم که در نظامنامه داخلی شرکت نوشته بشود بازهم ماناچار هستیم ازاینکه بگوئیم باید آنرا به تمبر عدلیه برسانند وبنظر وزارت تجارت برسد از اینجهت ماناچاریم ازاینکه بمقتضیات حال امروزمملکت وبرای حفظ مال تجار ایرانی که مثل شرکت عمومی که دیدیم چه قسم مال مردم از بین رفت وحال اینکه نظامنامه هم برای خودشان نوشته بودند وخیلی محکم هم نوشته بودند مال مردم تفریط نشود کمیسیون هم صلاح دانست که اگر چه اینها باید جزء نظامنامه داخلی شرکت نوشته نشود ولی باین ملاحظه واین عللی که عرض شد بهتر اینستکه جزء قانون نوشته شود .

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد (گفتند کافی است) ماده(۱۹) خوانده میشود (ماده(۱۹) طرح بعبارت ذیل قرائت شد)مدیر یاشریکی که در معاملات واقدامات راجعه بشرکت ازحدوداختیارات معینه خارج شده باشد تأدیه وجه معامله بر ذمهٔ خوداوست .

(کمیسیون این قسم پیشنهاد کرده بود).

ماده (۱۹) مدیر یا شریکی که در معاملات و اقدامات راجعه بشرکت ازحدود اختیارت معینه در شرکت نامهٔ خارج شده باشد در صورتیکه شرکاء آن معامله را تصویب نکنند این معاملهٔ بعهده خود او خواهد بود .

رئیس — مخالفی هست -(اظهاری نشد.)

ماده (۲۰) قرائت میشود .

(ماده (۲۰)طرح بعبارت ذیل قرائت شد) شرکاء میتوانند درشرکت نامه هرنوع شرایطی که میخواهند قرار دهند بشرطاینکه آن شرایط ناقض مدلول مواد فوق نبوده اختیارات مدیر را زیاده بر آنچه معین شده است توسعه بدهند (کمیسیون این قسم پیشنهاد کرده بود.)

ماده (۲۰) شرکاء میتوانند درشرکت نامهٔ هرنوع شرایطی را که میخواهند بشرط اینکه آن شرایط ناقض مواد این قانون شرکت نباشد .

رئیس — مخالفی هست (اظهاری نشد) مخالفی نیست ماده (۲۱) خوانده میشود .

(ماده (۲۱) طرح بعبارت ذیل قرائت شد) مدیر شرکت بدون اجازه مخصوص شرکاء حق ندارد طرف معاملهٔ باشرکت واقع بشود(کمیسیو اینماده فوق را عیناً تصویب کرده بود).

رئیس — مخالفی هست (اظهاری نشد) کسی مخالف نیست ماده(۲۲)خوانده میشود .

(ماده (۲۲)طرح بعبارت ذیل قرائت شد)

اگر بعد از انعقاد شرکت نامه بعضی تغییراتی بخواهند در مواد آن بدهند شرایط مواد باید رعایت شود .

(اولا) وقوع تغییرات باید درشرکت نامهٔ اولی قید شود .

(ثانیاً) اگرشرکت نامهٔ اولی مصدق بوده است شرکت نامهٔ دویمی هم باید مصدق شود .

(ثالثا) مراسم ماده یازدهم باید بعمل بیاید (کمیسیون این قسم پیشنهاد کرده بود).

ماده (۲۲) اگر بعد از ترتیب شرکت نامه بعضی از شرکاء تغییراتی بخواهند درمواد آن بدهند شرایط ذیل باید رعایت شود (اولا) اختیار تغییر باید در شرکت نامهٔ اولی قید شده باشد والا تغییر باید برضابت جمع باشد الی آخرماده.

و در جزء ثالث پیشنهاد کرده بود که نوشته شود مراسم ماده (۱۱) در غیر مصدق باید بعمل بیاید .

هشترودی - این عبارت یك اصلاحی لازم دارد که باید خود کمیسیون بکند و آن اینستکه این اولا یك ثانیاً وثالثاً هم لازم دارد .

بهجت — اگر بعد از انعقاد و شرکت و نوشتن شرکت نامه بعضی از شرکاء بخواهند تغییری بدهند حق دارند اما در صورتی که سایرین را هم متقاعد کرده باشند واینجا ازلفظ بعضی هیچ مقصود فهمیده نمیشود.

رئیس — لفظ بعضی اینجا نوشته نشده بلکه نوشته شده است اگر بعضی تغییراتی بخواهند شرکاء بدهند (گفته شد در راپورت نوشته شده است .)

افتخار الواعظین — مراد از بعضی این است که اگر تمام شرکاء بخواهند در یك جا جمع بشوند و یك تغییری در شرکت نامه بدهند محققاً اختیار دارند ولی اگر یك نفر ازآنها بخواهد تغییراتی بدهد باید مراعات مواد ذیل را بنماید.

آقامیرزا احمد - آن اولا که درراپورت نوشته شده است چون ثانیاً وثالثاً طرح هم باومنضم میشود دیگر ثانیاً وثالثاً لازم ندارد بجهة رفع ایراد آقای هشترودی عرض کردم.

آقاشیخ ابراهیم — اینجا گویا اشتباهی شده است مقصود این نیست که بعضی شرکاء بخواهند تغییراتی بدهند بلکه مقصود این است که اگر تمام شرکاء نه بعضی از آن ها بخواهند بعضی تغییرات بدهند باید این قیود را مراعات بکنند یعنی در آن شرکت نامهٔ اولی قید کرده باشند که این مواد را ممکن است تغییر بدهند و هم چنین اگر آن شرکتنامه مصدق بوده این شرکتنامه ثانوی را هم مصدق بکنند ثالثاً هم مراسم ماده (۱۱) را بعمل بیاورند و اینجا گویا در عبارت تقدیم او تأخیری شده است

منتصر السلطان — همین قدر که فرمودند در عبارت تقدیم و تأخیر شده است و اصل عبارت این بوده است که - شرکاء بعضی تغییراتی که بخواهند در مواد بدهند در نوشتن کلمات مقدم و مؤخر شده است .

حاج سید ابراهیم — همان طوری که در راپورت نوشته شده است صحیح است و هیچ تقدیم و تأخیری هم نشده است مراد بعضی از شرکاء است واز این جهت هم نوشته شده است که وقوع تغییرات باید در شرکتنامه اولی قید شده باشد و الا اگر تمام شرکاء راضی بشوند که بعضی تغییرات درشرکت نامه خودشان بدهند دیگر لازم نیست که درشرکت نامه اولی این قید را کرده باشند رضایت آن ها کافی است و حق دارند اگر چه در شرکتنامه هم قید نشده باشد .

منتصر السلطان — اگر یك شرکتیکه اعضاء آن ده نفر یا بیست نفر است یك نفر یا دو نفر از آن ها بخواهند بعضی تغییرات بدهند اکثریت که با آن ها نشده است چگونه میتوانند تغییرات بدهند این مثل اینستکه بگوئیم سه نفر از این ها میتوانند بروند در وزارتخانه و مجبور بکنند سایرین را که شما حتماً باید این تغییرات را که ما میخواهیم بدهیم قبول بکنید و این مخالف قوانین مشروطیت است چگونه میتواند سه نفر ده نفر را مجبور بکند که شما حتماً باید رأی مرا قبول بکنید

رئیس -- دیگر گویا مخالفی در این ماده نیست (گفتند خیر)

شور در بقیه این قانون از فصل دویم میماند برای جلسه دیگر حالا یکفقره راپورت کمیسیون بودجه است خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد)

لایحه وزارت مالیه راجع بوراث میرزا اسمعیل و سید حسن مجاهد که در سنه ماضیه هنگام انقلابات طهران بقتل رسیده اند قرائت گردید نظر باینکه وراث دو نفر مجاهد مقتول مزبور پریشان ومستأصل هستند وزارت مالیه مقرر میدارد بشرح ذیل حقوقی بوراث این دو نفر پرداخته شود .

ماده (۱) وراث میرزا اسمعیل مجاهد مقتول چهارتومان (۱) پدر دوتومان (۲) مادر یکتومان (۳) جده - یکتومان — مادام الحیات ماهیانه داده میشود .

ماده (۲) وراث سید حسن مجاهد مقتول هشت تومان ۱- سه نفر اولاد صغیر از قرار دوتومان ۶ تومان ۲- مادر یکتومان ۳- عیال یکتومان مادام الحیات ماهیانه داده میشود.

کمیسیون بودجه مطابق دوماده فوق باکثریت رأی داده پیشنهاد مجلس مقدس مینماید.

ارباب کیخسرو - در اینجا نوشته شده است که بواسطهٔ انقلابات سنهٔ ماضیه این راپورت گویا مدتیست نوشته شده و در این مدت نمیدانم در کمیسیون بودجه مانده است یا جاهای دیگریا اینکه در نوشتن اشتباه شده است.

رئیس - این راجع بماده نیست در مقدمه نوشته شده است وما بماده رأی میگیریم .

ارباب کیخسرو - صحیح ولی چون مقدمه

خوانده شد خواستم توضیحی بدهم‌که رفع اشتباه بشود .

رئیس - سابق پیشنهادی شده دیگر گویا مخالفی نیست (گفتند خیر) - پس رأی میگیریم آقایانیکه آن راپورت کمیسیون بودجه را تصویب میکنند ورقه سفید بیندازند اوراق رأی اخذ شده آقای حاج میرزا رضا خان آنها را بعده ۴۶ ورقه سفید شماره نمود.

رئیس- باکثریت ۴۶ رأی تصویب شد — دستور جلسه آینده — بقیه شور اول از قانون شرکتهای تجارتی - راپورت کمیسیون بودجه‌راجع بمحسن‌خان مخالفی هست .

لواءالدوله - درخصوص ادیب کرمانی از کمیسیون بودجه .

لایحهٔ که ازوزارت مالیه آمده است گذشته‌است چون این شخص مدت یکسال است که ازوزارت‌مالیه در خصوص او نوشته اند وخیلی هم زحمت کشیده است در راه مشروطیت و استحقاق هم دارد از این جهة استدعا میکنم که در جلسهٔ دیگر جزء دستور بگذارند .

رئیس - یك فقره راپورت کمیسیون بودجه جزء دستور جلسهٔ آینده است اینرا میگذاریم از برای جلسه دیگر.

حاج شیخعلی - راپورتی از کمیسیون معارف آمده بود برای تأسیس مدارس ابتدائی و رجوع شد بکمیسیون بودجه چون چیزی دردستور نداریم خوبست اورا هم جزء بکنید.

رئیس - از کمیسیون بودجه هنوز راپورت نداده اند تأکید شده است هر وقت راپورت آنرا دادند جزء دستور میشود.

ارباب کیخسرو - بنده همان عرضی را که درآن جلسه کردم تکرار میکنم که خوبست ما آن تلگراف اردبیل را دومرتبه نگاه بکنیم وببینیم چه برسر آن بیچاره ها وارد آمده است وامروزهم در اینجا خوانده شد .

و رجوع شد بکمیسیون داخله خود حضرت عالی فرمودید که درجلسهٔ دیگر راپورت آن داده‌خواهد شد آخر آن بیچارهٔ که بمجلس تلگراف میکنند یك مقصودی دارند و در مجلس خواندن هم برای اخذ یك نتیجه است از این جهت تقاضا میکنم که تأکید بفرمائید که زودتر راپورتش را بکمیسیون داخله بدهند که‌ببینیم چه‌فراری دراینخصوص داده‌اند

رئیس - بعد از همان جلسه که تلگراف در مجلس قرائت شد کمیسیون داخله منعقد شده بود ولی موفق نشده بودند که وزیر داخله یامعاونشان راملاقات بکنند و تاوزیر ومعاون‌راهم‌نبینندوبدانند که چه فراری دراین باب گذاشته اند کمیسیون نمیتواند راپورت بدهد بازهم تأکید میشود که وزیر داخله بیایدتوضیحات بدهدتااین که کمیسیون‌مسبوق بشود وراپورت آن را بمجلس بدهد .

افتخار الواعظین - بعضی سئوال ها است بنده از وزارت خانه ها کرده بودم وتابحال آقایان وزراء برای جواب ها حاضر نشده اند مخصوصاً در باره قشون ساخلو خراسان سئوالی کرده ام می خواستم استدعا کنم که اطلاع داده شود که بیایند جواب بدهند .

رئیس - تأکید میکنم بیایند جواب بدهند مجلس ده دقیقه قبل ازظهر ختم شد.

جلسه ۲۷۰
صورت مشروح روزشنبه ۱۱ شهر رجب المرجب ۱۳۲۹ مطابق ۱۶ سرطان

رئیس آقای مؤتمن الملك سه ساعت وربع قبل ازظهر بصندلی ریاست جلوس فرمودند وسه ساعت قبل ازظهر مجلس رسماً افتتاح شد صورت جلسه روز پنج شنبه را آقای آقا میرزا رضا خان نائینی قرائت نمودند .

غائبین بدون اجازه جلسه قبل - ناصر الاسلام ادیب التجار - حاج وکیل الرعایا - حاج امام جمعه با اجازه دکتر رضا خان - حاج محمد کریم خان - دکتر لقمان - آقا میرزا ابراهیم خان صدر العلماء آقاسید محمد رضای شیرازی - دکتر اسمعیل خان

رئیس - در صورتمجلس ملاحظه هست.

ارباب کیخسرو — درماده ششم که بنده عرض کردم هر نسخه ازآن شرکتنامه در نزدیکی از شرکاء باشد برطبق آن پیشنهادی هم کردم و هیچ ذکری ازآن نشده است .

رئیس — پیشنهاد فقط یکی نبود پنج شش فقره بود ولی وقتی که مذاکرات درموادکافی شده هیچ کدامش خوانده نشد وقتیکه ماده رامیخوانند باید پیشنهاد را قبل از آن‌که مذاکرات در آن کافی بشود فرستاد وچون قرائت نشده ذکر نشده دیگر ملاحظاتی‌هست؟ اظهار شدخیر .

رئیس — صورت مجلس‌تصویب شد دستور امروز بقیه‌شور قانون شراکتها تجارتی راپورت کمیسیون بودجه راجع بمحسن‌خان شروع میکنیم بقانون شرکتهای تجارتی از ماده ۲۳ .

(فصل دویم شرکت مختلفه سهامی)

ماده۲۳ - شرکت مختلطه مابین چندنفرضامن جامع و مسئول بلاحد و چند نفر شریك دیگر که مسؤلیت و ضمانت آن‌ها محدود بحصه آنها است منعقد میشود .

ماده ۲۳ — از راپورت کمیسیون - بجای کلمه (جامع) کل نوشته شود وبعد بعنوان تبصره این شرکت میشود دارای دو شراکت نامه قانونی بوده باشد .

اول — شراکت نامه میان چند نفر ضامن کل ومسؤل‌مثل‌شراکت‌نامه‌شرکت‌خصوصی‌ودویم‌شراکت نامه میان‌آن هیئت ومیانه شرکاء که‌مسئولیت آن‌ها نسبت بحصه خود آنها است و می‌شود از اول امر یك شراکت نامهٔ میانه جمیع منعقد شود و در شراکت‌نامه زمان‌ومسئولیت نسبت ببعضی شرط‌شود

رئیس — در ماده۲۳- از راپورت کمیسیون کسی مخالف هست؟ (اظهاری نشد) .

رئیس - پس‌ماده۲۴ خوانده میشود (بترتیب ذیل قرائت شد) .

ماده ۲۴ از طرح چون مسئولیت شرکاء قسم دویم محدود به سهم آنها است اگر شرکت بیش از دارائی مقروض شود ازاین بابت برعهده آنها چیزی متصور نیست فاضل آن برذمه شرکاء مسئول است - راپورت کمیسیون ماده ۲۴ عیناً تصویب شد .

رئیس - کسی مخالف‌نیست (اظهاری‌نشد).

رئیس - آقای زنجانی پیشنهادی کرده اند قرائت میشود (بعبارت‌ذیل قرائت‌شد) .

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۲۴ چنین نوشته شود - چون قسمت دویم شرکاء در زیاده از سهم خود مسئولیت ندارند لهذا اگر این شرکت زیاده بردارائی آن‌باشدایشان درادای دین‌فاضل‌برادرائی شریك نخواهندبود .

افتخار الواعظین — چون عین مقصود ماده است تنهایش یك قدری توضیح کرده است کمیسیون قبول میکند .

آقاشیخ ابراهیم زنجانی - این عبارت وافی نیست - اگر شرکت بیش از دارائی مقروض شودازاین بابت برعهده آنها چیزی متصورنیست - فاضل‌آن‌برذمه‌شرکاء مسئول‌است‌صحیح‌نیست وعبارت ماده مقصودرا خوب‌نمیفهماندوآن عبارتی که‌پیشنهاد کرده‌ام مقصودرا خوب می‌فهماند .

رئیس - چون کمیسیون قبول کرده‌است‌دیگر مذاکره نمیشود ماده ۲۵

ماده ۲۵ طرح - شرایط تشکیل‌شرکت‌مختلطه همان است که درمواد شش الی ۱۴ ذکر شده ومواد ۱۵ الی ۲۶در باره‌این چنین شرکت مجری است ماده ۲۵ از راپورت کمیسیون شرایط تشکیل شرکت مختلطه همان است که‌درموادشش‌الی ۲۲ در باره این‌چنین‌شرکت مجری است .

آقاسیخ‌ابراهیم‌زنجانی — درباره‌اینچنین شرکت‌مجری است کی مجری شده است باید چنین نوشت که‌شرایطشرکت‌مختلطه هما است که‌در مواد ۶الی ۲۲ ذکرشده‌است نه اینکه در باره اینچنین شرکتی مجری‌است همچوچیزی که‌نشده‌است

افتخارالواعظین — بنده‌باید اینجاتوضیح بدهم اقسام شرکت را برای‌آقایان تابدانند که این شرکت‌غیر ازشرکت‌خصوصی است شرکت بچندین قسم متصوراست تشکیل‌بشود یك‌مرتبه‌دو نفرشریك میشوند که‌پنبه‌بخرند وحمل کنندبروسیه‌یا اینکه‌بادام بخرندوحمل کنند بروسیه این‌قانون شامل‌آن نیست یك‌مرتبه چندنفر جمع میشوند آدمی‌هزار تومان‌پول میگذارندبین‌خودشان‌یك‌شرکتی‌تشکیل میدهندبرای اینکه مثلا دواخانه بسازند یا کارخانهٔ چرم‌سازی راه بیندازند یا کاغذ سازی این‌را میگویند شرکت خصوصی و شرایط شرکت خصوصی گفته شد یکمرتبه‌این‌است که‌چند نفری جمع میشوند مؤسس واقع‌میشوند و آدمی پنج هزار تومان میگذارند وشرکتی تأسیس میکنندولی آن سرمایه‌راصدهزار تومان معین میکنند باقی تاصد هزار تومان‌را باید از دیگران بگیرند گرفتن ازسایرین هم بردوقسم است‌یك مرتبه از آنها عین پول را میگیرند این می‌شود شرکت مختلطه‌که چند نفر مؤسس آدمی مثلا پنجهزار تومان‌سرمایه‌گذاشته اندولی‌سرمایه‌را چون تاصد هزار تومان معین کرده‌اند مابقی آن‌را باید ازخارج پول‌بگیرند یکمرتبه آن‌مابقی راپول نمیگیرند بلکه سهام فروخته وباقی سرمایه‌رابتوسط اسهام جمع‌آوری میکنند این‌دویمی می‌شودشرکت مختلطه سهامی یکمرتبه این است که خودشان هیچ پول نگذاشته اند آمده‌اند مؤسس شده اند برای